



یادداشت

ریشه بحران ها و فجایع خود خامنه‌ای و نظام ولایی است!

صادق کار



جواب رد و قاطع خامنه‌ای به درخواست‌های رفراندوم ولو رفراندوم‌های جزئی و موضوعی باید به آن بخش از اصلاح طلبان آموخته باشد که با وجود خامنه‌ای و سیستم و قانون اساسی فقه‌ت‌ی هیچگونه اصلاحی ممکن نیست و اگر به فکر جلوگیری و نجات کشور از فجایع بیشتر هستند برای همیشه عطا‌ی حکومت دینی را به لقایش ببخشند و با اپوزسیون سکولار جمهوری خواه برای برکناری رژیم فقه‌ت‌ی متحد شوند.

انتقادات و اعتراضات به خاطر پیچیده تر و بدتر شدن بحران‌های که کشور را در برگرفته اند علیه حکومت و دولت رئیسی، تشدید شده‌اند. اعتراضات بقدری گسترده اند و فشار بحران آنچنان سنگین است که باعث برکناری تعداد زیادی از وزرا و مدیران ارشد شده است.

دیگر تنها کارگران و معلمان و بازنشستگان نیستند که خیابانها را به میدان رزم خود با حکومت درآورده‌اند. کشاورزان، اصفهانی، پرستاران شهرهای مختلف، کارکنان دادگستری، بازنشستگان و کارکنان مخابرات، اولیای کودکانی که آماج حملات شیمیایی قرار گرفته‌اند و... نیز به مبارزان خیابانی پیوسته‌اند و هر روز که می گذرد تعداد دیگری به این جمع متکثر و معترض می پیوندند.

چندین برابر آنهایی که خیابان را مرکز خیابانی خود کرده‌اند نیز هستند که فعلا هنوز اعتراضات شان را در اشکال دیگری بیان می کنند. از اهل کسب و کار و تولید کنندگان و خرده فروشان گرفته تا بیمارانی که به علت گرانی و کمبود دارو در حال درد کشیدن هستند... جز این دسته از معترضان می باشند.

تعداد معترضینی که سعی می کنند در رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی اعتراض شان را بیان کنند هم بسیار وسیع است. دامنه اعتراضات حتی در میان تعدادی از وابستگان به حکومت که نگران سقوط رژیم و به خطر افتادن موقعیت خود هستند از جمله تعدادی از نمایندگان مجلس فرمایشی تعمیم یافته. تا جایی که یکی از روحانیون مشهور غیر حکومتی با نوشتن نامه به خامنه‌ای اعمال او را به تندی محکوم کرده است.



وسعت اعتراضات به حدی است که خامنه‌ای تنها چند هفته بعد از تعریف و تمجید زیاد از لیاقت و کاردانی و علم و دانش اعضای دولت، مجبور می‌شود حرف‌اش را عوض کند و با برکناری تعدادی از آنها موافقت کند. با این همه تغییر وزرای برکنار شده که کسی در ناتوان و فاسد بودن‌شان تردید ندارد و حتی برکناری رئیسی و تغییر دولت مورد وثوق خامنه‌ای در صورت ادامه روند کنونی احتمال‌اش کم نیست، چاره ساز نیست. چرا چون، وابستگان به دولت یکدست یکی بدتر از دیگری هستند و خود رئیسی از همه آنها بدتر و ناکارآمدتر است. از میان این طیف هم اگر کسی پیدا شود که خامنه‌ای به جایگزین کردن آن با رئیسی تن در دهد بعید است بتواند حتی رشد بحرانها و اعتراضات را مهار کند. به فرض اینکه چنین شخصی هم پیدا بشود خود خامنه‌ای اگر ببیند حاضر به تمکین از او نیست کلک طرف را خواهد کند. وانگهی مسئول اصلی بحران‌ها خود خامنه‌ای است که بدون اینکه تخصص لازم کاری را داشته باشد می‌خواهد سر رشته همه امور کشور را که هر کدام‌شان نیاز به یک دوجین متخصص دارد با سواد حوزوی‌اش که امروزه به درد هیچ کاری جز کلاشی نمی‌خورد در دست داشته باشد. او تا کنون هر پیشنهاد و درخواستی را برای بهبود اوضاع رد و با آن دشمنانه برخورد می‌کند ظرفیت تن دادن به هیچ تغییر و رفومی را هم ندارد و به ناگزیر یا باید زیر آوار بحرانها به همراه نظام‌اش دفن شود و یا اینکه مردم وی را از اریکه قدرت‌اش به زیر بکشند. جواب رد و قاطع خامنه‌ای به درخواست‌های رفراوندوم ولو رفراوندوم‌های جزئی و موضوعی باید به آن بخش از اصلاح‌طلبان آموخته باشد که با وجود خامنه‌ای و سیستم و قانون اساسی فقه‌ای هیچگونه اصلاحی ممکن نیست و اگر به فکر جلوگیری و نجات کشور از فجایع بیشتر هستند برای همیشه عطای حکومت دینی را به لقایش ببخشند و با اپوزسیون سکولار جمهوری خواه برای برکناری رژیم فقه‌ای متحد شوند.

**از اعتصاب کارگران شرکتهای پتروشیمی و نفتی و سایر کارگران و بازنسستگان
و پرستاران و مطالبات آنان حمایت کنیم!**

**مبارزه متحدانه برای توقف اعدام‌ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید
کنیم!**

ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می‌کنیم!

همه با هم علیه سرکوب جنبش انقلابی سراسری متحدانه مبارزه کنیم!



تضمین اشتغال یا درآمد حداقل؟ بخش دوازدهم

جرمی سیکینگز



تظاهرات هواداران "حزب کارگران سوسیالیست" برای کار دائمی

ساخت اجتماعی استحقاق و ساخت سیاسی دستمزدهای بازار - ادامه

مشکلات مربوط به تعیین دستمزد یکی از دلایل اصلی این است که در کشورهایمانند برزیل، تداوم برنامه های تضمین اشتغال همیشه دشوار بوده است. شهرداریها و استانداریها در برزیل، برنامه های تضمین اشتغال کوچک ابعاد بسیاری را پیش می برند، اما آنها مجبورند دستمزدی بالاتر از حداقل دستمزد رسمی را به کارگران تحت پوشش این برنامه ها بپردازند و مزایای مرتبط با استخدام رسمی را نیز برای آنها منظور کنند. نتیجه این است که این برنامه ها تأثیر ناچیزی بر فقر و نابرابری دارند یا اصلاً ندارند. مثلاً مطابق برنامه اصلی شهر ریودوژانیرو فقط 2000 کارگر برای تمیز کردن محله های فقیر نشین استخدام شدند. در سال 1999، دولت فدرال برزیل برنامه سراسری "نمونه همبستگی کار" را به تدبیر کرد. دستمزد ماهانه حدود 35 تا 50 دلار آمریکا بود، یعنی تقریباً نیم حداقل دستمزد، تا کار در این برنامه را فقط برای گروه هدف، یعنی جمعیت بسیار فقیر جذاب کند و به علاوه امکان جذب عده هرچه وسیعتری از این گروه را گزارش می دهد که تعیین دستمزد زیر حداقل (Rocha) فراهم آورد. این برنامه هرگز اجرا نشد. روچا دستمزد قاعده بسیار مورد منازعه بود که "اکیداً موجب مقاومت در سطوح سیاسی و در اتحادیه ها می شد". سختترین محیطهایی که ممکن است در آنها برنامه های تضمین کار حامی تهیدستان تدبیر شوند، اقتصادهای پساکمونویستی اروپای شرقی و آسیای مرکزی اند که در آنها موانع سیاسی سنگینی برای تعیین دستمزدی پایینتر از حداقل دستمزد وجود دارد.

در آفریقای جنوبی پس از آپارتاید، در بحث مربوط به برنامه های تضمین اشتغال توجه بسیار کمی به موضوع دستمزد می شود. زمانی "مدیر کل اجرائی" در دپارتمان ملی مشاغل عمومی، درسهای ممکن از برنامه های تضمین اشتغال در سایر نقاط جهان را استخراج کرد، اما هر گونه اشاره به تعیین دستمزد و (Ravallion) مناسب و اثرات آن را از این درسها حذف کرد و بررسی های معتبر انام یافته توسط راولیون را نادیده گرفت! به واقع در این مجموعه درسها به سختی اشاره ای به دستمزد (Subbarao) سوبارائو شده است. پیشتر دلیل این امر را گفته ام: دستمزدها و سایر جنبه های استخدامی در برنامه های تضمین اشتغال، تابع مقرراتی اند که با اتحادیه های کارگری مورد مذاکره و توافق قرار گرفته، و در سال 2002 به عنوان آئیننامه برنامه های تضمین اشتغال رسمیت یافته است. این آئیننامه - مشروط به آن که شغل معینی واجد یک جزء آموزشی، و مدت آن محدود باشد - انعطاف در شرایط استاندارد برای استخدام را ممکن می سازد. انعطاف در شرایط استاندارد اشتغال امکان پرداخت دستمزد مبتنی بر وظیفه محوله و تعیین دستمزد برحسب نرخ محلی برای نیروی کار غیرماهر را فراهم می کند.



قدرت کار سازمانیافته در مذاکرات طولانی ای منعکس شد که ماحصل آن آییننامه مذکور بود. مک کورد در این باره می نویسد: "... جنبش اتحادیه ای مصمم بود که از ظهور تعداد زیادی از کارگران "رده دو" در بخش عمومی جلو گیرد: کارمندانی که فاقد حمایت‌های لازم، محروم از مزایا و برخوردار از دستمزدهای زیر حداقل بودند. ظهور چنین گروهی از کارگران به توسعه یک بازار کار دو لایه کمک می رساند بالقوه و کلاً حمایت از "کار را در آفریقای جنوبی تضعیف می کند

مک کورد نتیجه می گیرد که "ماحصل امر برنامه هائی برای اشتغال موقت اند، مشابه برنامه هائی که در هر جای دیگری برای رفع اختلال موقت در بازار کار یا بیکاری وسیع دوره ای پیش برده شده اند". تبیین او از تفاوت بین برنامه گسترده تضمین اشتغال در آفریقای جنوبی و دیگر برنامه های طولانی مدت مانند ماهاراشترا به وضوح درست است، اما حتی او نیز تفاوت بین طرح آفریقای جنوبی و طرحهای موقت، مثلاً در آرژانتین، را دست کم می گیرد. در آفریقای جنوبی، اتحادیه‌های کارگری دستمزدهایی را برای کارگران برنامه های تضمین اشتغال مقرر می کردند، که در قیاس با آرژانتین یا هر جای دیگری، به طور قابل توجهی از درآمد تهیدستان بالاتر بود

آئین نامه گفته شده مقرر می دارد که دستمزد پرداختی در برنامه های تضمین اشتغال فقط اندکی کمتر از حداقل دستمزد در بخش و منطقه مربوطه باشد. به عنوان مثال، در یک برنامه جاده سازی در استان روستایی و فقیر لیمپوپو، دستمزدها برابر 30 راند (واحد پول آفریقای جنوبی) به ازای هر وظیفه تعیین شده بود که معمولاً به همان 30 راند (حدود 5 دلار) برای هر روز کار پنج ساعته تبدیل می شد (می توانست بیشتر از این هم بشود. مثلاً برخی از کارگران تا هزار راند در ماه درآمد داشتند). اما گاهی دستمزدها مطابق حداقل دستمزد محل تعیین می شدند. مثلاً، در یک برنامه تعمیر و نگهداری جاده در مناطق روستایی استان کوازولو-ناتال، دستمزدها بر اساس حداقل دستمزد محلی در صنعت ساختمان (تقریباً 42 راند در روز) تعیین شد. با این حال، در عمل، تنها چند شغل تمام وقت در این مناطق روستایی دستمزدی محسوساً کمتر از حداقل دستمزد رسمی دریافت می کردند. طبق گزارشها از مناطق مربوطه در لیمپوپو و کوازولو-ناتال، برای استخدام تمام وقت به عنوان کارگران خانگی یا نیشکر در املاک شکر، بین 200 تا 300 راند در ماه، یعنی 10 تا 15 راند در روز پرداخت می شود. با توجه به اینکه دستمزدها در برنامه های تضمین اشتغال عموماً برای کار پاره وقت است، این دستمزدها غالباً بالاتر از دستمزد طیف گسترده ای از مشاغل در مناطق روستایی اند. مشاغل تحت پوشش برنامه های تضمین اشتغال، ولو فقط به صورت پاره وقت، همچنین از دریافتی محسوساً بیشتری نسبت به ارزش تولیدات کشاورزی معیشتی یا درآمدهای حاصل از کار بخش غیررسمی خانوارهای مشغول به کار در این بخش، برخوردار اند. از این قرار، آییننامه پیشگفته برنامه های تضمین اشتغال را ملزم به پرداخت دستمزدهائی بالاتر، و به میزان قابل توجهی بالاتر، از درآمد واقعی در آن مناطق می کرد. نتیجه، پنان که مک کورد تصریح می کند این بود که این برنامه ها به جای فقیرترین افراد، بسیار بیشتر کسانی را جذب می کرد که پیش از اشتغال در این برنامه ها، شغلی با دستمزد پایین داشتند یا به انواع دیگری از کارها اشتغال داشتند

دستمزد حدود 35 راند در روز (برای یک روز کاری پنج ساعته) به معنای یک دستمزد ماهانه حدود 700 راند (معادل 100 دلار آمریکا) است. این دستمزد در مناطق روستایی بسیار جذاب است. اما در مناطق شهری، عمدتاً به دلیل در دسترس بودن مشاغل با حداقل دستمزد یا بالاتر از آن، جذابیت کمتری دارد. بنابراین، در مناطق شهری، دستمزدهای پرداختی در برنامه های تضمین اشتغال واقعاً کمتر از دستمزد در مشاغل رسمی و حتی بسیاری از استخدامهای موقت است، اما بالاتر از درآمد بیشتر کارگران در بخش غیررسمی است.

اما در این صورت دیگر "دستمزد بازار" چه معنا دارد، وقتی که دستمزد نیروی کار غیرماهر مبتنی بر سیاست کار تعیین می شود و ترفیق می یابد؟ و در بخش‌هایی که تحت پوشش قرارداد جمعی نیستند، قویاً در (Castles) دیگر حداقل دستمزد قانونی چه معنا دارد؟ "بازارها" ساخته می‌شوند، و چنان که کاسلز مورد استرالیا نشان داد، سیاستهای ناظر بر بازار کار، که نیروی کار سازمانیافته را در چانه زنی جمعی



توانمند می‌سازند، پیامدهایی، قطعاً قابل قیاس با اثر سیاستهای اجتماعی، در بازتوزیع ثروت دارند. در آفریقای جنوبی مطالعه چندانی روی ساختار دستمزد کار غیرماهر در بازار انجام نشده است. این نقصان ارزیابی از اهمیت نهادهای مذاکره جمعی، روال تعیین حداقل دستمزد، رویه اتحادیه های کارگری و کارفرمایان و نگرش و رفتار خود کارگران غیرماهر را دشوار می کند. واضح است که، چنان که در بالا دیدیم، مقامات مستقیماً ذریب در دولت پس از آپارتاید به این باور رسیده اند که دلایل بنیانی هم برای بالا بودن دستمزد کار غیرماهر و هم برای تقاضای محدود برای نیروی کار غیرماهر وجود دارد. از این نظر، سیاستهای کلی این دولتها دستمزد بازار را برای نیروی کار غیرماهر بالا برده است

یکی از راه ها برای ارزیابی دستمزد بازار، بررسی عرضه نیروی کار آزاد، یا تقاضای کار توسط بیکاران است. سه نظرسنجی انجام یافته در کیپ تاون تخمینی را از دستمزدهای بالقوه، یعنی حداقل دستمزدی که بیکاران در یک منطقه شهری آماده اند بپذیرند، به دست می دهند. هر یک از این نظرسنجیها به بیانی این سؤال را مطرح کردند که "کمترین دستمزد، مطلقاً کمترین دستمزدی، که می‌پذیرید، چقدر است؟". یک نظرسنجی در سال 2002 نشان داد که در میان نوجوانان آفریقایی بدون دیپلم کلاس 12 بین هجده تا بیست و دو ساله، که به دنبال کار بودند و در زمان تحقیق کار نمی کردند، دستمزد بالقوه گفته شده 50 راند در روز و متوسط دستمزد بالقوه 60 راند در روز بود. پیش از آن، در سال 2000، یک نظرسنجی در مناطق کارگری کیپ تاون به دستمزد بالقوه بسیار مشابهی برای بزرگسالان بیکار رسیده بود. در صورتی که سؤال به گونه ای متفاوت مطرح شود، پاسخ دهندگان پاسخهای متفاوتی به دستمزد بالقوه درخواستی شان می دهند. مثلاً در سال 2004، از نوجوانان کیپ تاون این سوال پرسیده شد: "اگر یک برنامه تضمین اشتغال دولتی در منطقه به اجرا درآید، و شما بیکار باشید، با دستمزد روزی 33 راند، آیا چند روزی را در آن برنامه کار خواهید کرد؟"، بیش از نیمی از پاسخ دهندگان بیکار بین هجده تا بیست و چهار سال گفتند که این کار را خواهند کرد

متأسفانه، هیچ داده نظرسنجی در این باره که آیا افراد بیکار با دستمزدی کمتر از دستمزد برنامه های تضمین اشتغال کار می کنند یا نه وجود ندارد. چیزی که ما می دانیم این است که کارگران زیادی در بخش غیررسمی "کار" می کنند، و کارشان عمدتاً فروش کالاها در خیابانهاست، با درآمد خالصی بسیار کمتر از دستمزد برنامه های تضمین اشتغال. به احتمال قوی دستمزدهای بالقوه در روستاها بسیار کمتر از مناطق شهری باشد، به ویژه به این دلیل که خانوارهای بسیاری در مناطق روستایی بدون منبع درآمد منظم وجود دارند و این امر باعث می شود که بیکاران روستایی فرصتهای شغلی، ولو با دستمزد پایین را از دست ندهند؛ با این امید که بعداً شغلی با درآمد بهتر به دست آورند

داده های بالا در مورد دستمزدهای بالقوه در کیپ تاون و تجربه برنامه های تضمین اشتغال در مناطق روستایی نشان می دهند که تقاضای کار با دستمزدی کمتر از حداقل تعیین شده توسط دولت و اتحادیه های کارگری وجود دارد. تعیین دستمزد برنامه تضمین اشتغال در سطح نسبتاً بالا به این معنای الزامی است که مزایای استخدام به گستردگی اشاعه نمی یابند و چنان که باید بیکاران و "بسیار تهیدستان" را هدف نمی گیرند. در یک اقتصاد با دستمزد بالا و اتحادیه های قدرتمند، تعیین دستمزدها در سطوحی که برنامه های تضمین اشتغال بتوانند اقدام مؤثری علیه فقر باشند، دشوار است

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی!



ضد انقلاب واقعی صاحبان قدرت و امثال محبوب ها هستند

صادق



علیرضا محبوب دبیر کل تشکیلات حکومتی خانه کارگر درسرخرنانی مجازی که به بهانه برگزاری هفته کارگر، برای دبیران اجرایی این تشکل داشت، جنبش زن، زندگی، آزادی را "جنبش اشرافیت" خواند و افزود، "جریان های اعتراضی نباید شامل نیروهای سلطنت طلب، منافق و ضد انقلاب شود. محبوب پس از حمله به حزب دمکرات کردستان و کومله، از آنها بعنوان ضد انقلاب یاد کرد و از سرکوب اپوزسیون رژیم به سبک و سیاق خود حمایت کرد

او کوشید در آستانه روز جهانی کارگر با دوپهلوی سخن گفتن و یکی به نعل و یکی به میخ زدن به زعم خود تفرقه ایجاد کند و به بهانه حضور "ضد انقلاب" در جنبش و اشرافی خواندن آن از پیوستن کارگرانی که از رژیم روی برگردانده اند ممانعت به عمل آورد

محبوب با اشاره به نام گذاری سال مبارزه با تورم توسط خامنه ای تلاش کرد خامنه ای را طرفدار حقوق کارگر جا بزند و چاکر منشی خود نسبت به بزرگترین دشمن کارگران را موجه جلوه دهد. اما پنهان کرد که هیچ کدام از نام گذاریهای سالهای پیشین توسط خامنه ای عملی نشده اند

روز بیشتر به روز کارگر باقی نمانده با این که این روز تعطیل کارگری است، اما به تشکلهای مستقل ۱۰ غیر دولتی اجازه راهپیمایی داده نمی شود و خیلی از کارفرماها هم نه کارخانه شان را تعطیل می کنند و نه اجازه برگزاری مراسم به کارگران شان می دهند

امسال نیز حکومت تنها به تشکیلات حکومتی خانه کارگر اجازه برگزاری مراسم روز کارگر را داده است. البته این تشکل فرمایشی از یک هفته پیش مراسمی را بمناسبت روز کارگر اجرا می کند که از رفتن سر قبر خمینی و تجدید عهد با او و رفتن به دیدار خامنه ای برای تجدید بیعت و دست بوسی او تا ملاقات با کارفرمایان و وزیر کار و مقامات ریز و درشت ادامه پیدا می کند

در روز پایانی نیز تجمع یا راهپیمایی کنترل شده ای برگزار و در پایان هم قطعنامه ای قرائت می کنند که به بایگانی سپرده می شود و هیچ یک از مفاد آن مگر مواردی که به نفع حکومت باشد به اجرا در نمی آید

معمولا هم در مراسم شان به هرکس که بخواهد در آن شرکت کند، اجازه حضور نمی دهند و کسانی می توانند در مراسم شرکت کنند که کارت دعوت برای شان فرستاده شده باشد. دلیل این محدودیت نگرانی از افتادن فضای تجمع و راهپیمایی به دست مخالفان حکومت، کارگران ناراضی و معترض و این تشکل است



امسال اما گویا شرط دیگری بر شروط سالهای پیش برای دادن مجوز به آنها تعیین کرده‌اند. شرط جدید آنطور که از سخنرانی محبوب بر می آید، محکوم کردن جنبش زن، زندگی، آزادی، حمله و توهین به احزاب اپوزیسیون و حامیان جنبش با همان زبان و شیوه نهادهای امنیتی و حمایت از سرکوب جنبش است. البته از همان هفته های نخست شروع جنبش حسن صادقی معاون دبیر کل خانه کارگر در جلسه‌ای که مسئولین اصلی این تشکل در آن حضور داشتند حمایت شان از سرکوب جنبش را ابراز کرده بود

حمایت از رهبر حکومت و تجلیل و تعریف از او و دولت و وزارت کار، یعنی همان هایی که دستمزد کمتر از تورم را به کارگران تحمیل کردند، نیز از اقداماتی است که رهبران سر سپرده خانه کارگر به بهانه هفته کارگر قصد دارند انجام شان دهند. در واقع بنام کارگر از حکومت و دشمنان کارگر و مردم حمایت می کنند و با وارونه کردن حقایق به عبث تلاش می کنند کارگران را فریب دهند

علی رضا محبوب به دروغ از خمینی بعنوان طرفدار حقوق کارگر و "کوخ نشین" دم می زند و کارگران را به مرده او حواله می دهد و خامنه‌ای را که نقش اصلی در به فقر و فلاکت کشاندن کارگران و تهی دستان را داشته و دارد و تمام اعمال ضد کارگری از جمله تعدیل مزدی توسط دولت برگزیده وی انجام می گیرد حامی کارگر جا می زند بلکه به این طریق از دامنه اعتصابات کارگران بکاهد

اردیبهشت روز همبستگی جهانی کارگر است امسال درست صد سال از نخستین روز برگزاری روز ۱۱ کارگر در ایران می گذرد. کارگران ده‌ها سال برای برسمیت شناختن این روز مبارزه و هزینه داده‌اند تا توانستند سر انجام آن را به عنوان روز کارگر به کرسی بنشانند

اینک ده ها سال از برسمیت شناخته شدن روز کارگر و آوردن آن در قانون کار بعنوان تعطیل کارگری می گذرد. با این وجود هنوز به کارگران اجازه نمی دهند که آزادانه و بدون موانع امنیتی روز خود را برگزار نمایند و مطالبات شان را مطرح کنند. سه سال پیش که عده‌ای برای برگزاری روز کارگر در تهران تجمع کردند ده ها نفرشان را بازداشت و به زندان محکوم کردند. یکی از بازداشت شدگان کیوان صمیمی بود که به سه سال حبس محکوم شد. او تازه آزاد شده بود، اما دو روز پیش کیوان را دوباره گرفتند و به زندان بردند. ده‌ها نفر دیگر را هم که بیم داشتند بخواهند در روز کارگر تجمع داشته باشند تهدید کرده‌اند و به آنها گفته‌اند از این کار اجتناب کنند

تعدادی از رهبران سندیکای شرکت واحد، شورای سازماندهی تشکلهای صنفی فرهنگیان و فعالین دیگر که در مراسم روز جهانی کارگر سال گذشته شرکت داشتند هنوز در زندان هستند. اتهام واقعی همه آنان استفاده از حق قانونی برای طرح مطالبات شان بوده است. هیچکدام از آنها ضد انقلاب نبوده و نیستند. ضد انقلاب های واقعی خلاف گفته علیرضا محبوب معترضین و مبارزین و آزادیخواهان جنبش زن، زندگی، آزادی و اعضای تشکلهای مستقل کارگری نیستند. ضد انقلاب واقعی سرکوبگران و غاصبان قدرت و پادوها و مزدوران چکمه لیس دیکتاتورها امثال علیرضا محبوب ها هستند. با این وجود علرغم همه تهدیدات امسال نیز کارگران در شهرهای مختلف روز خودشان را مستقلانه همزمان با رفقای کارگر خود در کشورهای مختلف برگزار و نخواهند گذاشت پرچمی که صد سال پیش برای نخستین بار در اول ماه مه توسط نخستین نسل مبارزان جنبش کارگری بالا رفت به زمین بیفتد

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!



می خواهند کارگران را به نقطه صفر برگردانند!

صادق



خبرگزاری تسنیم یکی از خبرگزاری حامی سرسخت دولت رئیسی در این هفته گزارشی از تشکیل گروهی خبر داد که گویا برای بررسی تغییر قانون مربوط به دستمزد تشکیل شده است

تسنیم در گزارش خود قسمتهایی از نظرات افراد این گروه درخصوص راه کار تعیین قانونی دستمزد در قانون کار موجود و عیب و ایراد های آن را منتشر کرد. از فحوای کلام عموم شرکت کنندگان در این گروه به نظر می رسد که دولت به جد در نظر دارد ماده ۴۱ قانون کار و ملحقات آن را که معیار تعیین دستمزد است تغییر دهد و بطور کلی تعیین دستمزد توسط شورای عالی کار را ملغی و آنرا به کارفرمایان در هر کارخانه واگذار کند.

الغای قانون تعیین دستمزد مدتهاست که توسط محافل سرمایه داری و مجلس و دولت دنبال می شود و تلاشهای هم برای ملغی کردن آن صورت گرفته بود، ولی به علل مختلف نتوانسته بودند آن را بطور رسمی عملی نمایند. در دولت رئیسی این تلاشها به شکل بارزتری تشدید شد

منجمد نمودن دستمزدها زیر خط فقر سیاست همه جناح های حکومتی و دولتها بوده است، اما روش آنها برای منجمد کردن دستمزدها اندکی متفاوت بوده است

دولت روحانی منجمد کردن دستمزدها را با دستکاری در آمار تورم و هزینه های زندگی سعی می کرد عملی کند، دولت رئیسی با شیوه دور زدن آشکار قانون کار و هم کوچکتر نشان دادن آمار تورم و قیمتها

کامیابی دولت در تحمیل افزایش دستمزد ۲۰ درصد کمتر از نرخ تورم برای سال جاری و عدم واکنش کافی نسبت به آن به نظر می رسد باعث شده است دولت محو ماده ۴۱ قانون کار و تعیین حداقل دستمزد سالیانه را در دستور کار قرار دهد

لغو ماده ۴۱ باعث خواهد شد که اختیار تعیین دستمزد عملاً به دست کارفرمایان بیفتد و در نتیجه آن سطح دستمزدها بیشتر کاهش پیدا کند و وضعیت معیشتی بد خانواده های کارگری بدتر از این که هست بشود و دهها مشکل و معضل تازه بر معضلات آنها افزوده شود

تلاشهای دولت در تعدیل دستمزدها و ارزان سازی نیروی کار خلاصه نمی شود. حسن حیثیتی یکی از اعضای رهبری تشکلهای حکومتی این هفته خبری را در خبرگزاری ایلنا منتشر کرد که حکایت از تلاشها



برای بررسی هر قانونی دارد که در ۱۱۵ سال گذشته در رابطه با کارگران به تصویب رسیده‌اند. به گفته حبیبی ۲۵ نفر از نمایندگان مجلس در حال تهیه جزئیات طرح مذکور هستند

در واقع مجلس و دولت زیر عنوان "بررسی" قصد ریشه کن کردن قوانین کار و باز گرداندن کارگران به نقطه صفر را دارند

معلوم می شود که سرکوب سیستماتیک سازمانهای کارگری واقعی و مستقل و جلوگیری از تشکیل و فعالیت سندیکاها و دیگر تشکلهای کارگری مستقل برای جلوگیری از مقاومت سازمانیافته کارگران در مقابل بازگرداندن کارگران به نقطه صفر بوده است. همه ی این تلاشهای تبهکارانه حکومت سرمایه داران نوکیسه و غارتگر به رغم اعتراضات گسترده کارگران و مزد بگیران نشان می دهد که اعتراضات پراکنده با همه گستردگی شان از آنجا که پراکنده هستند و اتحادیه نیروندی وجود ندارد که بتواند مبارزات پراکنده را مدیریت و همراه کند نتوانسته است سد راه آنها شود. اگر بخواهیم از این تجربه بیاموزیم یک راه بیشتر پیش رو نداریم، سازماندهی و گسترش اعتصاب ها نه فقط برای دفاع از حقوقی که دیگر اثری از آن باقی نگذاشته‌اند، بل که برای از میان برداشتن رژیم می که با وجود آن زحمتکشان رنگ سعادت را نخواهند دید

از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای موقت تحمیلی حمایت می کنیم!

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!

اعتصابات کارگری کم سابقه در آستانه روز کارگر

در آستانه روز جهانی کارگر ۱۴۰۲ موج کم سابقه‌ای از اعتصاب و اعتراض کارگری بسیاری از شهرها و مناطق دور و نزدیک کشور را در بر گرفته است. اعتصاب کارگران و کارکنان در شرکتهای پتروشیمی و نفتی که حداقل تا کنون بالغ بر ۶۰ واحد به آن پیوسته‌اند، در مرحله کنونی در پیشا پیش اعتصابات قرار دارند. بازنشستگان تامین اجتماعی و مخابرات، پرستاران، کارگران تعدادی از معادن و فولاد در چندین شهر نیز دوش به دوش کارگران پتروشیمی و نفت در حال اعتصاب و اعتراض هستند. طی دو هفته گذشته پرستاران و کادر درمانی در چندین شهر دست به اعتراض زده‌اند. خواسته های همه معترضین عمدتاً اقتصادی و معیشتی است و اعتراضی است نسبت به مصوبه دستمزدی شورای عالی کار، گرانی و تورم فزاینده، ساعات کار طولانی و گروگان گرفتن دستمزد و حقوق. با این حال از آنجا که ریشه همه اینها سیاسی است، مطالبات معیشتی نیز عمیقاً ماهیت سیاسی هم دارند



اعتراض بازنشستگان در رشت



اعتصاب هر هفته بازنشستگان مخابرات در تهران و سایر شهرهای کشور



چند عکس از اعتصاب کارگران شرکتهای پیمانکاری





دیدار جمعی از سینماگران با خانواده
کیوان_مهدی

رخشان بنی اعتماد، مهوش شیخ الاسلامی، فاطمه معتمدآریا، مهناز افصلی، ناهید رضایی، مینا اکبری،
سپیده ابطحی، جعفر پناهی، امیر اثباتی، محمد رسول اف و مجتبی میرطهماسب در این دیدار حضور داشتند
شنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۲



تداوم و گسترش اعتصابات، حفظ همبستگی رمز پیروزی است

اعتصاب کارگران پتروشیمی و نفت در اعتراض به افزایش اسمی ۲۷ درصد به دستمزدها در سال ۱۴۰۲ و با خواست افزایش ۷۹ درصد به دستمزدها که از اول اردیبهشت شروع شده، در حالی وارد سومین روز خود شده است که با پیوستن تعداد دیگری از واحدهای غیر نفتی همچون، کارگران مس خاتون آباد، گندله سازی بهاباد، آزمون فلز، مبین صنعت، فولاد غدیر و... دامنه‌ی آن از صنعت پتروشیمی فراتر رفته و حداقل مجموعاً ۴۹ واحد صنعتی را در بر گرفته است و احتمال گسترده شدن بیشتر آن هم وجود دارد.



این اعتصابات در شرایطی شروع شد که شورای عالی کار یک ماه پیش با وجود تورم ۴۶ درصدی و افزایش سبد هزینه‌ی خانوار به حداقل ۲۰ میلیون تومان، تنها با افزایش ۲۷ درصد به حداقل دستمزد و ۲۱ درصد سایر سطوح مزدی موافقت کرد.

مصوبه‌ی مزدی حکومت از ۲ فروردین با اعتراضات شورش‌گونه‌ی بازنشستگان، پرستاران و کارگران در تعداد زیادی از واحدهای صنعتی شروع شد. اعتصاب ۴۹ واحد صنعتی و معدنی در ادامه‌ی اعتصابات پیشین، حاکی از خشم و اعتراض سراسری کارگران نسبت به مصوبه‌ی مزدی حکومت و کارفرمایان بوده و واکنشی بازدارنده در مقابل سیاست‌های ضد کارگری و ارتجاعی حکومت است که لغو ماده ۴۱ قانون کار و ملحقات آن و تعدیل دستمزدهای زیر خط فقر را دنبال می‌کنند.

اهمیت این اعتصاب در آن است که در آستانه‌ی روز جهانی کارگر و در شرایط حضور جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی رخ می‌دهد. ظرفیت گسترش اعتصاب در جامعه بالاست، هم می‌تواند از حمایت اجتماعی وسیع‌تری برخوردار شود و هم به عنوان عامل پیوند دهنده میان جنبش مطالباتی عدالت خواهانه و جنبش آزادیخواهانه عمل کند. در شرایط کنونی نه حکومت و کارفرمایان قادر به بی‌پاسخ گذاشتن همه‌ی مطالبات اعتصابیون و سرکوب آن هستند و نه شرایط وخیم معیشتی به کارگران اجازه می‌دهد از خواسته‌هایشان که تنها محدود به افزایش دستمزد نیست، کوتاه بیایند.

اعتصاب کارگران، با این گستردگی، پراکندگی جغرافیایی و تنوع شغلی برای آن‌که بتواند به نتیجه‌ی مطلوب برسد و کارفرمایان نتوانند مانند اعتصابات قبلی از طریق مذاکره‌ی جداگانه در هر واحد، توان جمعی آن را خرد و در نهایت بدون نتیجه‌ی مطلوب برای کارگران به آن پایان دهند، نیازمند رهبری جمعی است. رهبری که بتواند هم حمایت اجتماعی مردم از اعتصابیون را تامین کند و هم با ایجاد هماهنگی میان اعتصابیون با دولت و کارفرمایان بر سر قرارداد دسته‌جمعی و تامین مطالبات کارگران به توافق برسد.

با تشکیل کمیته‌های اعتصاب و صندوق ملی اعتصاب با همت مردم و خود کارگران می‌توان زمینه‌ی اعتصاب سراسری را که از شروط اصلی پیروزی هر جنبش اعتصابی و انقلابی است، تامین کرد.

حزب چپ ایران (فدائیان خلق) همبستگی خود را با اعتصابیون اعلام کرده و از مطالبات به حق آن‌ها حمایت می‌کند؛ تداوم و گسترش اعتصاب و حفظ اتحاد، همبستگی کارگران و ایجاد کمیته‌ی هماهنگی برای هدایت اعتصابات را از شروط پیروزی کارگران می‌داند. تشکیل کمیته‌های اعتصاب در هر کارخانه می‌تواند هماهنگی بین اعتصابیون را تقویت کند. همبستگی کارگران و پشتیبانی جمعی از خواسته‌های اعتصاب‌کنندگان امکان پیروزی کارگران اعتصابی در مبارزه برای زندگی بهتر را افزایش می‌دهد.

هیئت سیاسی - اجرائی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)
اردیبهشت ۱۴۰۲ - ۲۴ آوریل ۲۰۲۳

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید**

در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>